

# مصاحبه پوهنوال داکتر اسدالله حیدری با هفته نامه "افق" استرالیا



حیدری

ضیا

به سلسله معرفی و قدرشناسی از دانشمندان، فرهنگیان و شخصیت های ممتاز در میان هموطنان عزیز ما، اینک مصاحبه یی داریم با جناب پوهنوال داکتر اسدالله حیدری سابق استاد انستیتوت پولیتخنیک پوهنتون کابل که ایشان بر علاوه از داشتن تحصیلات مسلکی با درجه دکترا در رشته انجینیری ساختمانی، نوشته ها و سروده های زیاد نیز دارند که به چاپ رسیده و مورد استفاده علاقمندان قرار گرفته است. همچنان سروده های شان در محافل فرهنگی و ادبی زمزمه شده و از طریق امواج رادیوهای صدای افغان، رادیوی دری، و نوای کهسار به خوانش قرار گرفته است. اینک باب سخن را با جناب شان باز میکنیم و شما خواننده عزیز را به میزبانی می گیریم؛

**ضیا:** محترم داکتر صاحب! لطف کنید طوری که لازم میدانید، خود را به خواننده های عزیز معرفی کنید؟

**داکتر حیدری:** بنام خداوند دانا و توانا! قبل از معرفی کوتاه، سلام های نهایت گرم و صمیمانه خویش را خدمت همه خوانندگان عزیز هفته نامه وزین افق و خاصاً خدمت استاد ضیا ضیا، این خدمتگار فرهنگی جامعه افغانی ما در استرالیا، تقدیم میدارم.

اینجانب پوهنوال داکتر اسدالله حیدری فرزند مرحوم حاجی محمد حیدرخان، قوم الکوزائی، سکونت آبابی، آبازک و لایت لوگر، بتاريخ دوم عقرب ۱۳۱۶ خورشیدی در شهر زیبای کابل، در یک خانواده متدین دیده به جهان گشودم. از آوان

طفولیت به دین مقدس اسلام بسیار پا بند و علاقمند بودم. قبل از رسیدن به سن بلوغ، تلاوت قرآن عظیم الشان را با تجوید آموخته بودم.

**ضیا:** طوری که تذکر داده شد، شما سا بقیه استادی دارید، میشود، در مورد تحصیلات خود و همچنان اینکه چه تدریس میکردید، معلومات دهید؟

**داکتر حیدری:** من تحصیلات خود را تا صنف نهم درلیسه عالی نجات والی صنف دوازدهم در مکتب تخنیک ثانوی بدرجه اعلی تکمیل نموده وبدون گذشتاندن امتحان کانکور پوهنتون بصورت فوق العاده شامل دانشکده انجنیری دانشگاه کابل گردیدم. در سال ۱۳۴۱ از آنجا بالاحراز درجه اول فارغ گردیده و مستقیماً شامل کا در علمی آن دانشکده گردیدم. در اواخر سال ۱۳۴۳ برای تحصیلات عالیتر به اتحاد شوروی سا بقیه اعزام گردیدم. در اواخر سال ۱۳۴۹ با اخذ درجه دکتورا موفقانه به وطن عودت نموده و در انستیتوت پولیتخنیک کابل به تدریس شروع نمودم. در پولیتخنیک، در دیپارتمنت های ساختمانهای صنعتی ومدنی، مهندسی، سرکسازی و بندونهار وهمچنان در دانشکده انجنیری دانشگاه ننگرهار، دیزا ین وسنجش ساختمانهای کانکریتی تقویه شده باسیخهای فولادی یا باصطلاح انگلیسی Reinforced Concrete Constructions را تدریس میکردم.

**ضیا:** چرا از افغانستان مهاجر شدید، و چه وقت به استرالیا تشریف آوردید، اگر مختصراً معلومات دهید؟

**داکتر حیدری:** بنده مانند هزاران افغان وطنپرست که نخواستند تحت قیادت غلامان حلقه به گوش وقلاده برگردن روس های اشغالگر خدمت نمایند، خدمت کردن را در زیر دست آن وطنفروشان، ننگ و عار خود دانسته و در تلاش ترک وطن محبوب خود بودم. چهار بار کوشش نمودم که یکبار در نیمه راه گرفتار و زندانی شدم. بلاخره از لطف الهی در اگست ۱۹۸۵ موفق شده و در پاکستان مهاجر شدم. بعد از یکسال زندگی در اسلام آباد، بتاريخ ۱۶ جولای ۱۹۸۶ وارد شهر زیبای سدنی شدم.

**ضیا:** از وقتیکه به استرالیا آمدید، چه کارها و فعالیتهای علمی، اجتماعی و هرچیز دیگری که بر زندگی داشته باشد، انجام داده اید؟

**داکتر حیدری:** بلی، با رسیدن به استرالیا، دیپلوم وسایر اسناد تحصیلی خود را برای ارزیابی به مقامات مربوط دولت استرالیا فرستادم که دیپلوم به درجه دکترا تأیید و تثبیت شد. متأسفانه هر چند کوشیدم در رشته مسلکی خود کاری پیدا کنم، اما نتوانستم. خوشبختانه فرصت و وقت کافی برای کارهای اجتماعی پیدا نمودم. چون سالها هم درس خوانده بودم و هم تدریس نموده بودم، به اصطلاح دست زیر چانه ننشسته و برای اولین بار در سدنی تدریس تجوید قرآن عظیم الشان را برای یک تعداد هموطنان عزیز ما، اعم از ذکور و اناس، جوانان وسالمندان، شروع نمودم. و برای مدتی درس های تجوید را از طریق رادیوی صدای افغان از سال اول آمدنم به استرالیا، تقریباً در تمام مجالس اسلامی، اجتماعی و فرهنگی که از طرف هموطنان عزیز ما دایر میشد، اشتراک نموده و سهم فعال داشتم. یکی از بارزترین فعالیت های من در آن سهم داشتم، تأسیس انجمن فرهنگی المهدی (عج) در سال ۱۹۹۴ و متعاقباً اعمار مسجد و مرکز اسلامی المهدی (عج) نیز به پیش می بردم.

در سال ۱۹۹۹ در حضور بالغ بر هزار نفر مسلمان دول مختلف اسلامی، اعم از ذکور و اناث و نمایندگان دولت استرالیا رسماً افتتاح گردید. بنده از تأسیس انجمن الی ده سال متواتر به صفت رئیس انجمن در خدمت هموطنان عزیز و سا یر مسلمانان قرار داشتم.

**ضیا:** حال از نوشته ها و سروده های تان بگوئید که با دنیای نظم، نثر و شعر چگونه پرداختید؟

**داکتر حیدری:** درس شصت و دو سالگی با درک هجران ودوری از وطن عزیزم از لطف والهام الهی به سرودن اشعار، خصوصاً میهنی شروع نمودم.

پیش از ترک اجباری وطن عزیزم ۲۵ اثر علمی مسلکی نشر شده داشتم که از جمله هفت اثرم در اتحاد شوروی سابقه به نشر رسیده بود.

از زمان آمدنم به استرالیا تا حال آثار نشر شده نثری ونظمی ام قرار ذیل است:

خلاصه تجوید چاپ سدنی، راهنمای مناسب حج (فشرده و به زبان ساده) چاپ سدنی، تعلیم قرآن عظیم الشان برای نوآموزان چاپ اول سدنی، تعلیم قرآن عظیم الشان برای نوآموزان چاپ دوم ایران، برگ سبزمجموعه اشعار چاپ سدنی، فریاد مهاجر مجموعه اشعار چاپ اول ایران، مختصری از تعلیم تجوید قرآن کریم چاپ ایران، فریاد مهاجر چاپ دوم ایران، فاطمه زهرا (س) شمه از ولادت تا شهادت چاپ سدنی، گزیده مقالات اسلامی، اخلاقی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی چاپ سدنی، قلب آسیا مجموعه اشعار چاپ سدنی، گزیده اشعار مشتمل از: مناجاتیه ها، میهنی، سیاسی، قطعات، دوبیتی ها یار باعیا و تک بیت ها، چاپ

سدنی، اشعار و مضامین مختلف بنده که از طرق و بسایت های گفتمان، کاتب هزاره، ۲۴ ساعت، رهروان، خاوران، روزنه، کابل ناتھ، افغان جرمن، شعر افغانی، هفته نامه وزین افق، هفته نامه وزین امید در امریکا، نشریه های چاپی آسترالیا مانند آریانا، مجله گلبرگ، مجله آفتاب، نوای فرهنگ و انیس مهاجر، مجموعاً بالغ بر هشت صد مطلب. بر علاوه در گوگل و بعضی سایت های دیگر و فیس بوک های افغانی ما، بالغ بر صد ها مطلب.

**ضیا:** شعر از نگاه شما چیست؟ و چگونه می تواند سروده های نظمی یا شعری بالای خواننده تأثیر بگذارد؟

**داکتر حیدری:** من در خود شایستگی و لیاقت آنرا نمی بینم که راجع به "شعر چیست؟" ابراز نظر نمایم. استاد ملک الشعرا "بهار" راجع به شعر میگوید:

شعر دانی چیست؟ مرواریدی از دریای عقل  
هست شاعر آن کسی کاین طرفه مروارید سفت  
صنعت و سجع و قوافی هست نظم و نیست شعر  
ای بسا ناظم که نظمش نیست الاحرف مفت  
شعر آن باشد که خیزد از دل و جوشد ز لب  
باز در دل ها نشیند هر کجا گوشی شفت

در اینجا تنها اینقدر از گفتار پیامبر گرامی اسلام (ص) را علاوه میدارم که ایشان فرموده اند: سخنی که از دل برآید، بر دل نشیند، و سخنی که از زبان برآید در گوش فرو نرود.

**ضیا:** به جوانانی که میخواهند به سوی شعر روی بیاورند، چه توصیه ها دارید؟

**داکتر حیدری:** توصیه من برای جوانان آنست که زیاد ترسورده ها و اشعار شعرای بزرگ و کلاسیک و هم اشعار شعرای امروزی را مطالعه نموده و از آنها الهام بگیرند. هیچوقت شرم نکنند، از اشخاص وارد در زمینه پرسیان کنند، سروده های خورا با آنها در میان بگذارند و اگر لازم بود اصلاح نمایند. ندانستن شرم نیست مگر ندانستن و تظاهر به دانستن شرم است. در عین حال از آنانیکه شاعر و ادیب اند، خواهشمندم اینهار امایوس نکرده بلکه تشویق و ترغیب شان نمایند.

**ضیا:** حالا چه مصروفیت دارید، در کجا زندگی میکنید، از فرزندان بگوئید، از صحت و سلامت تان بگوئید؟

**داکتر حیدری:** حالا هفتاد و هشت سال عمر دارم و در زمره متقاعدین میباشم. مصروفیت های زیاد در منزل، در مسجد و خواندن و نوشتن میباشد. بالغ بر دو سال میشود که صحتم چندان خوب نیست و تکلیف های جوانی!!! روز به روز افزوده میگردد. با آنها خداوند منان را شاکرم که هنوز بار دوش دیگران نگردیده ام. در شهرک کمپیل تون سدنی زندگی دارم. سه دختر و سه پسر دارم که همه ازدواج نموده و تحصیل کرده میباشند. از عنایات بی پایان الهی نه دختر و هشت پسر نواسه دارم.

**ضیا:** از شما تشکر، طول عمر پر بار و سلامت و جودتان را از بارگاه ایزد متعال تمنایکنم.

**داکتر حیدری:** آقای ضیا ضیا، از شما هم جهان سپاس، امیدوارم با فامیل محترم که همه همکاران فرهنگی شما میباشند، شاد و خرم بوده و توفیقات بیشتر از پیش را از خداوند منان برای هر یک تان استدعا دارم. والسلام